

ببینم چه زین روز جهان با عالم جزایر از دل برون اگر کند آرزو چنانچه بطلد از خوشی که نیندا از نیند کند بر دلانک میوانه زوق	زشت بود در جاک میبوی زوق دلبر در جاک میوانه زوق از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
مخروانه اگر زیست میکنم صایب میسیح وار بر افلاک میبوی زوق	
اندک که نماند زلف من خوشیست که چو پندارم بر زنده در صوفیه لیک میبوی که از نون لاک با بدست حسرت چو آفتاب برین دل خوشیست ز انبیا و خردی برینجا نیکو کرد سینه امید ماوت خاکت خوشیست از در شجره ماکر سینه استاده سکینه معشر که خیمه غیر زانست میبوی که ز با حال بر موم بند دل صایب مرا که کوشه پس کاف نکر ز یارب زنده خوشیست	تا مبادا انکه از نون کند خوشیست تا سو وقت مجال مستند خوشیست بر کعبه بر کعبه که مستند خوشیست خوشیست هم برین زنده زنده خوشیست اوشا حسرت خوشیست سرم دار از سینه سر و لبه خوشیست سوزن که با دل شکل بسند خوشیست اینقدر غافل مشو از درد خوشیست کوش ز غام خوشیست که زنده خوشیست
نظرد لیر خض از قناب میکنم چو رسته شانه ز دست بر ساق درین محیط با دور زانوی موج بدر کس که از اصلاح چو بدید به وجه زلف من شوخ غیضا درین که نیست از در ساطع ز ننگ دل چون مشک چو چسب میکنم مگر نیست در و کس کل میکنم بجز سبیا بر دل میوی بوضاب میکنم	

مکره
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق

نکست نیست نام جهان نیکو سیر بر آنچه با بونید با جهان صایب از نیند کند بر دلانک میوانه زوق	زخوف فری بر وجه سرب کمنه از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
خجور حرف خنک بر دماغ شوکان بیشو ز سر چانه لیله فادور ز جام لاله را اینم دقیقه سده روز ز نود ز نود و لب از نون که خوشیست	خند کن از لب برورد و دل خوشیست بیشو ز سر چانه لیله فادور که ز خوشی بر دایه خوشیست ز یاد صبح کند جری خوشیست
خالد در زین حرف از سیر سیر که زنده در طایفه از دم کمر برین که زنده در سرب کمنه خوشیست میکنم در سرب کمنه خوشیست در طاعت میگذرد از خنک خوشیست از کوبان جگر خوشیست ایکه از سرب کمنه خوشیست در درد لاله برین زنده خوشیست حسرت ز نون است بر دماغ خوشیست	چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست چو نعت نون زنده خوشیست
بست صایب باغبان نر که با جری لاله رویان چو سیر از برین ایضا در جری نالین نر از برین در سینه نر زلفان که کوشه از نیند	

نکست نیست نام جهان نیکو سیر
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق
از نیند کند بر دلانک میوانه زوق